



سید محمد صدر در گفت و گو با «ایران» از راهکارهایی برای بهبود حکمرانی می‌گوید

رویکردهای فرهنگی را در حکمرانی برجسته کنیم

زمینه‌های همبستگی اجتماعی هنوز وجود دارد/ گفت‌وگوی ملی راه حل خیلی از مشکلات است

ابراهیم بهشتی/ احسان بدائی خبرنگار

جزو اولین چهره‌های سیاسی است که در اسفندماه و در ابتدای شیوع ویروس کرونا به این بیماری مبتلا شد و البته با رعایت دستورالعمل‌های پزشکی و خودمراقبتی این دوره را به سلامت پشت سر گذاشت. سید محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام کرونا را تجربه متفاوت و جدیدی هم در ایران و هم در سایر کشورها می‌داند که در کنار تبعات منفی، برخی ویژگی‌های مثبت را نیز به همراه آورد از جمله اینکه در جامعه نوعی همبستگی اجتماعی را تقویت کرد و در سطح تصمیم‌سازی‌ها نیز نوعی هماهنگی و تسریع در تصمیم‌سازی‌ها را به ارمغان آورد. صدر هم مانند بسیاری دیگر از صاحب نظران معتقد است که این تجربه مدیریتی متفاوت را می‌توان و باید به دیگر حوزه‌ها و بحران‌ها یا مشکلات تعمیم داد. او در این گفت‌وگو از کرونا و تحریم می‌گوید که کار را برای مسئولان و مردم سخت‌تر کرده است اما معتقد است در این میان می‌توان با استفاده از راهکارهایی دشواری زندگی را کمتر کرد و چشم به آینده داشت. تغییر نگاه به مردم از رویکردهای امنیتی به فرهنگی

■ آقای دکتر! این روزها ایران مثل بسیاری

از کشورها در گیر ویروس کرونا است. شما در ابتدای شیوع کرونا به این بیماری مبتلا شدید. اگر موافق هستید از تجربه درگیری شما با این بیماری شروع کنیم بخصوص که مردم هم نگران هستند. چطور سلامت‌تان را به دست آوردید؟

نکته اول اینکه برای خود من این بیماری تجربه جدیدی بود. چون در سال‌ها و ادوار گذشته که من محیط‌های سیاسی و تحصیل در دانشکده داروسازی و مبارزه انقلابی و امثال اینها را دیده بودم، این تجربه را نداشتیم؛ یعنی همین تجربه همه‌گیری و پاندمی یا ابتدای جهان به یک بیماری. البته خوانده بودیم که زمانی ایران با اپیدمی وبا یا طاعون مواجه بود و همین‌طور در دنیا نمونه‌های مشابهی بود. ولی به‌طور مستقیم این تجربه را نداشتیم. نهایت آن هم همین بحث آنفلوانزا بود که دنیا و ایران توان مقابله با آن را داشت و خیلی چیز مهمی نبود. درست است که خیلی تلفات و خسارات زیادی وارد کرد، اما بالاخره زندگی همین است و مخلوطی است از خوشی و ناخوشی. بنابراین اگر چه ابتدا یک مقدار می‌وبا یا ایران به دلیل آماده نبودن خساراتی وارد شد اما به مرور زمان ستاد مقابله با کرونا تشکیل شد و الان به‌نظم دارند خوب عمل می‌کنند. بویژه که همکاری‌های مردمی در این زمینه خیلی جدی است. یعنی من می‌توانم بگویم بعد از آن نمایش تشییع پیکر شهید سلیمانی که نشان داد وحدت ملی چیست، این ماجرای کرونا و همکاری مردم در مقابله با آن هم نمایش بسیار خوبی است از همبستگی اجتماعی.

من در اسفندماه مبتلا شدم ولی به لطف خدا خیلی جدی نبود و ریه‌های من خیلی کم درگیر شده بود. دختر من پزشک است و رئیس تیم پزشکی بود که با افراد مختلف متخصص در تماس بود. بنابراین من در خانه این بیماری را جمع کردم. یک مقداری هم از تجربیات داروسازی خودم استفاده کردم. مخصوصاً آن موقع که چه دارویی برای این بیماری درمانگر است و هنوز هم مشخص نیست، خودم تعدادی

آنتی‌بیوتیک قوی مصرف کردم که مؤثر بود و گذشت. اما نکته من این است که بحث کرونا و ویروس آن یک نکته صدها نفر است، ترس از آن یک بیماری نکته دیگر. می‌بینیم که هر روز چند هزار نفر مبتلا می‌شوند و صدها جان خود را از دست می‌دهند. ولی ترس از کرونا خیلی وسیع‌تر از آن است. ضمن اینکه باید تمام دستورات بهداشتی و پروتکل‌ها را جدی عمل کرد، در عین حال نباید یک بیماری روانی جدی به نام ترس از کرونا بیاید که خیلی ایجاد نگرانی و ناراحتی کند و ان شاءالله با روندی که در پیش است، این امیدواری وجود دارد که تا چند ماه دیگر واکسن بیماری تهیه

شود که خود آن هم پیشرفت بسیار عالی علمی است. آخرین نکته من این است که واقعاً کادر پزشکی اعم از پزشکان، پرستاران، بهیاران و داروسازان و تمام گروهی که در این قضیه دخیل بودند، خیلی صادقانه و خوب عمل کردند.

■ کرونا به هر روی بار مضاعفی بود که

هم به مدیریت سیاسی و هم به جامعه ایران تحمیل شد که همزمان زیر بار فشار تحریم‌ها هم قرار دارد و اوضاع را قدری سخت‌تر کرد. با این حساب از جمله محسنات و ویژگی‌های مثبتی که برای کرونا مطرح می‌کنند، این است که یک مقداری سیستم مدیریتی را در کشور تکان داد و در قالب ستاد مقابله با کرونا، تصمیم‌گیری‌ها قدری تسریع شد، هماهنگی‌هایی بین بخش‌های مختلف حاکمیت به وجود آمد و بحث مشارکت عمومی را هم تقویت کرد. از همین حیث توصیه‌هایی می‌شود که ما همین شیوه

مدیریت را به حوزه‌های دیگر کشور تشری دهیم و تلاش کنیم برای اجماع‌سازی در موضوعات مختلف. شما فکر می‌کنید می‌شود امیدوار بود که این ایده به حوزه‌های دیگر تسری و تعمیم داده شود؟ قطعاً می‌شود. قطعاً هم اگر تسری دهیم موفقیت‌آمیز خواهد بود. من در فروردین‌ماه که بعد از دوره بیماری خودم بود مقاله‌ای نوشتم و در آنجا به

نوروز و کرونا اشاره کردم. نوروز و بهار پیام ناگزی، شگفتگی و نوسازی طبیعت و در واقع پیام زندگی جدید را برای ما به ارمغان می‌آورد. نوروز در ایران سابقه طولانی دارد و باعث می‌شود که یک روح جدید در زندگی مردم دمیده شود. از زحمات کادر پزشکی در این بیماری مهم است توجه کنیم مردم چقدر همکاری کردند، بویژه به طبقه محروم و فرودستی که با مشکلات جدی روبه‌رو شدند، دیدیم چقدر کمک مردمی شد و هنوز هم ادامه دارد.

من فکر می‌کنم این یک تجربه خوبی بود برای من که در جریان انقلاب بودم، دقیقاً آن جو را به یاد می‌آورد. سال ۵۶ که دیگر تظاهرات شروع شده بود، آنجا دورانی بود که مردم عاشق بودند. در سیاست خارجی باید رویکرد سیاسی- امنیتی داشته باشیم. یعنی هم واقعیات را ببینیم و هم این موضوع را توجه کنیم که در سیاست خارجی ما دشمن داریم و هم رقیب. حالا حداقل با رقبای خودمان سیاسی برخورد کنیم و با دشمنان‌مان امنیتی. خب ما این تجربه را داریم یا خیر؟ من در سؤال قبل درباره پیش از انقلاب گفتم. حالا می‌روم سراغ بعد از انقلاب و پیروزی نهضت.

چگونه است؟ در آن زمان همبستگی اجتماعی ایجاد شده بود. اگر دو نفر تصادف می‌کردند، می‌آمدند همدیگر را می‌بوسیدند و می‌گفتند به خاطر امام و انقلاب می‌بخشیم. الان اما غیر از پرخاش در این جور موارد چیز دیگری نیست. اما بعد از شیوع کرونا به نظر می‌رسد رفتارهای مردم نسبت به همدیگر تغییراتی داشته و آن پرخاش‌ها تا حدودی تبدیل به گذشت و همکاری شده است. کرونا و آثار اجتماعی‌اش، آن خاطره را زنده می‌کند. این نشان می‌دهد که کاملاً زمینه اجتماعی و فرهنگی در بین مردم ما وجود دارد برای اینکه یک همبستگی ملی دوباره به وجود بیاید. امیدواریم که هم این نوع مدیریت و هماهنگی و هم این رویکرد جدید مردم به طرف دولت و حاکمیت ادامه پیدا کند. البته عملکرد دولت و حاکمیت در

گسترش این روحیه مؤثر خواهد بود. ■ اینکه بشود موضوع را به حوزه‌های دیگر تعمیم داد و اینکه می‌شود این همبستگی اجتماعی را حفظ کرد، چه باید کرد؟ آیا باید نگاه متفاوت‌تری به کنشگری مدنی مردم داشته باشیم؟ آیا در حوزه سیاستگذاری باید تحولاتی ناظر به مشارکت بیشتر مردم صورت بگیرد؟ از این همبستگی اجتماعی که شما به آن اشاره می‌کنید چطور می‌توان برای حکمرانی بهتر کمک گرفت؟

پاسخ این سؤال که با مردم باید چه کار کنیم یک جمله است؛ رویکردهای امنیتی را باید تبدیل کنیم به رویکرد فرهنگی و سیاسی. این یعنی چه؟ ما سه نوع رویکرد حکومتی داریم؛ رویکرد فرهنگی، رویکرد سیاسی و رویکرد امنیتی. رویکرد فرهنگی رویکرد خوشبینانه است. یعنی حاکمیت همه مردم را خوب می‌بیند و با آنها از این دید برخورد می‌کند. رویکرد سیاسی رویکرد واقع‌بینانه است. یعنی رویکردی که واقعیات جامعه را خیلی دقیق مورد توجه قرار می‌دهد. رویکرد امنیتی رویکرد بدبینانه است که به همه شک دارد و فکر می‌کند همه دارند توطئه می‌کنند، همه جاسوس هستند، همه وابسته هستند. به نظر می‌رسد در حال حاضر به رویکردهای فرهنگی توجه کافی نمی‌شود.

ما تجربه دو رویکرد سیاسی و فرهنگی را داشتیم. در سیاست داخلی باید رویکرد فرهنگی داشته باشیم، یعنی استراتژی ما باید استراتژی لیخند به مردم خودمان باشد. در سیاست خارجی باید رویکرد سیاسی- امنیتی داشته باشیم. یعنی هم واقعیات را ببینیم و هم این موضوع را توجه کنیم که در سیاست خارجی ما دشمن داریم و هم رقیب. حالا حداقل با رقبای خودمان سیاسی برخورد کنیم و با دشمنان‌مان امنیتی. خب ما این تجربه را داریم یا خیر؟ من در سؤال قبل درباره پیش از انقلاب گفتم. حالا می‌روم سراغ بعد از انقلاب و پیروزی نهضت.

تیم نگاه

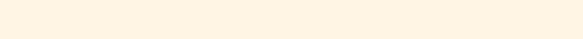
■ مشکل ما کسانی هستند که من به آنها می‌گویم تازه به انقلاب رسیده‌ها. طرف می‌آید و چنان از انقلاب، آن هم مقابل کسانی که خودشان در آن دوره فعال بوده‌اند حرف می‌زند که گویی تمام آن تحولات را درک کرده. اما یک ساعت هم آنجا نبوده، یعنی نه در انقلاب بوده، نه می‌داند انقلاب چیست

■ چرا باید برای اولین بار آمار شرکت‌کنندگان در کل کشور زیر ۵۰درصد و در تهران ۲۶ درصد باشد؟ این شاید به دلیل همان باشد که رویکردهای فرهنگی محور نبوده و اینکه برخی مدام اصرار دارند باید افراد و گروه‌های مختلف حذف شوند

■ انقلاب اسلامی آنقدر پایگاه‌های قوی دارد که به هیچ وجه با بادهایی از این دست (انتقادهای درونی) به لرزه در نمی‌آید. باید اعتماد به نفسی را که در گذشته داشتیم دوباره پیدا کنیم و بگذاریم که مردم با آزادی کامل حرف‌شان را بزنند

■ سه نوع رویکرد حکومتی داریم؛ رویکرد فرهنگی، رویکرد سیاسی و رویکرد امنیتی. رویکرد فرهنگی رویکرد خوشبینانه است. رویکرد سیاسی واقع‌بینانه است. رویکرد امنیتی بدبینانه است. در سیاست داخلی باید رویکرد فرهنگی داشته باشیم، یعنی استراتژی ما باید استراتژی لیخند به مردم خودمان باشد. در سیاست خارجی باید رویکرد سیاسی- امنیتی داشته باشیم. یعنی هم واقعیات را ببینیم و هم این موضوع را توجه کنیم که در سیاست خارجی هم دشمن داریم و هم رقیب. حداقل با رقبای خودمان سیاسی بر خورد کنیم و با دشمنان‌مان امنیتی

■ قبل از برجام نه تنها تمام مسائل اقتصادی امروز، وجود داشت بلکه به لحاظ امنیتی هم در خطر قرار داشتیم و اگر آن وضعیت ادامه پیدا می‌کرد، چه بسا خطر حمله نظامی و یک جنگ به ایران تحمیل می‌شد



بگویند، هیچ مشکلی هم پیش نمی‌آید. بحث انتقاد از مسئولین و پاسخگویی آنها باعث می‌شود ریشه‌های انقلاب مستحکم تر شود.

■ مخاطب صحبت‌های شما اگر طیف‌هایی باشند که این روزها سنگ می‌خورند یا در سینه می‌زنند، احتمالاً ما باید اعتماد به نفسی را که در گذشته و همان دوره داشتیم دوباره پیدا کنیم و بگذاریم که مردم با آزادی کامل حرف‌شان را بزنند. الان

نداریم. خصوصاً بعد از قضیه کرونا و تعطیل شدن کارها اوضاع بدتر هم شده. اما همین الان وضعیت اقتصادی مردم با زمان جنگ قابل قیاس نیست. زمان جنگ خیلی وضعیت اقتصادی بدتر از الان بود. اصلاً این فراوانی و کالاهایی که الان می‌بینیم، در آن زمان وجود نداشت. اما روحیات مردم و وضع داخلی خیلی بهتر بود. چرا؟ چون مردم با دولت و نظام و حاکمیت بودند. علی‌رغم اینکه مشکلات اقتصادی و معیشتی داشتند، هر چند وقت یکبار بمباران هوایی و موشک‌باران هم بود. شما می‌دانید در دزفول چند بار بمباران شد و مردم چند بار شهر را ترک کردند؟ یا در شهرهای دیگری نظیر ایلام، یا در خود همین تهران چقدر بمباران هوایی شد. چه شب‌ها که برخی‌ها غسل شهادت می‌کردند و می‌گفتند که ممکن است خواب که می‌بینیم موشک بیاید و شهید شویم. این روحیات چرا الان نیست؟ علی‌رغم اینکه وضعیت معیشتی بدتر بود و چه از نظر غذا، چه دارو و چه دیگر نیازهای اولیه کمبود فراوان داشتیم. برای تهیه پنیر باید از کوپن استفاده می‌شد. بنابراین نکته مهم این است که آن موقع مردم احساس آزادی می‌کردند، مردم احساس می‌کردند که در مقابل یک دشمن خارجی که تمامیت ارضی کشور را مورد تجاوز قرار داده و در همان ابتدا بخش‌هایی از کشور را اشغال کرده، باید همه چیز خود را بدهند تا تمامیت ارضی کشور حفظ شود. مهم اینکه این است که حاکمیت هم در همین جهت بود و از افتخارات آن دوره حاکمیت این است که اجازه نداد یک سانتی‌متر از کشور در حالی که تمام دنیا علیه ما بودند، جدا شود. تنها دلیلش این است که علی‌رغم همه آن سختی‌ها مردم و حاکمیت با هم بودند، یعنی در مرحله اول، حاکمیت با مردم بود و مردم هم احساس متقابلی داشتند.

در زمانی که من معاون سیاست